

گفت‌وگو با نخبه برگزیده نانو بیوتکنولوژی

## بی‌بی‌زوم



**برای شروع بحث به گذشته برگردیم، خانه پدری، روزهایی که فارغ از دغدغه‌های زندگی در حال و هوای کودکی سپری می‌کردید.**

۲۲ آبان سال ۵۴ در محله قدیمی اکبرآباد یزد به دنیا آمدم در خانواده‌ای مذهبی و سنتی. پدرم در کارگاه قالببافی مشغول به کار بودند. مادر هم خانه‌دار بود و در خانه قالی می‌بافت. هردو تحصیلات ابتدایی و نهضت داشتند. خانواده ما دو فرزند داشت. من فرزند دوم هستم. خواهرم ۵/۲ سال از من بزرگ‌تر است. دوران کودکی همیشه شیرین‌ترین روزهای زندگی هرکسی است. خاطرات از کودکی زیاد است، محبت‌های بی‌دریغ پدر و مادر. تلاش‌شان برای فراهم کردن بهترین امکانات برای درس خواندن ما...

**از دوران مدرسه بگویید همان موقع‌ها هم درس برایتان مهم بود یا بعداً داستان تغییر کرد؟**

همیشه درس و نمراتم خوب بود و اشتیاقم به درس خواندن نسبت به بچه‌های فامیل خیلی بیشتر بود. بچه‌های محل که در درسی مشکل داشتند برای یادگرفتن به خانه ما می‌آمدند. با هم درس می‌خواندیم تا به سطح کلاس برسند. با یکی دوتا از بچه‌های همسایه کتاب‌های مهندسی و پزشکی ساده می‌خواندیم و در موردش حرف می‌زدیم. شیطنت‌ها و بدو بدوهایم می‌ماند برای روزهایی که در باغ عمه و پدر بزرگ می‌همان بودیم.

بی‌بی فاطمه حقیرالسادات بانوی نخبه یزدی متولد آبان ۱۳۵۴ است. دانشجوی پسادکتری دانشگاه تهران و هلند، دکتری تخصصی نانو پزشکی از دانشگاه آمستردام هلند، دکتری تخصصی نانو بیوتکنولوژی از دانشگاه تهران، هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.

بی‌بی فاطمه در پروژه‌ای بین‌المللی موفق به طراحی و ساخت سامانه نانویی هوشمند انتقال همزمان دارو و ژن به سلول‌های سرطان استخوان برای اولین بار می‌شود. وی در خاطراتش می‌گوید زمانی که اثر بخش بودن این سامانه در دانشگاه آمستردام تأیید شد، اساتید و دانشجویان نام «بی‌بی زوم» را روی آن گذاشتند. این پروژه یکی از موفق‌ترین پروژه‌های درمان سرطان در هلند شناخته و به‌عنوان US Patent ثبت شده است. وی در سال ۹۷ موفق به کسب جایزه جهانی گوهرشاد در قسمت علمی و کارآفرینی شد.

دکتر ملیحه جهان‌آرا

گفت‌وگو

”

رفت‌وآمد، سه شب کنار بچه‌ها نبودن، از این دانشگاه به آن دانشگاه رفتن، استرس اینکه آیا دورشته باهم خواندن کار درستی بود یا نه؟